



# مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

موضوع:

مکانیسم پیشگیری و رفع فقر بر اساس کتاب و سنت

استاد راهنما

حجة الاسلام سید محمد کاظم رجایی

استاد مشاور

حجة الاسلام محمد رجایی

محقق

محمد نعیم اکبری

سال تحصیلی

۱۳۸۲-۱۳۸۳

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی  
شماره ثبت: ۸۰۰  
تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



### تقدیم:

اهداء به آن بزرگ رادمرد عالم که فقر را برگزید، تا با فقیرترین فرد از رعایای خویش در

معیشت یکسان باشد، اول جانشین پیامبر ﷺ = امام **علی** علیه السلام.



### تشکر و اعتذار

قبل از هر چیزی لازم است از اساتید محترم راهنما و مشاور جناب آقای سید محمد کاظم رجایی و جناب آقای محمد رجایی که تلاش زیادی نمودند و بیش از آنچه که انتظار می‌رفت، دل‌سوزانه و با اختصاص دادن وقت زیاد به راهنمایی پرداختند و همین‌طور از دست اندرکاران محترم امور پایان‌نامه کمال تشکر داشته که زمینه‌آشنایی با تحقیق و پژوهش را فراهم نمودند و بدین‌وسیله توفیق اجباری قلم به‌دست گرفتن حاصل شد. از خداوند منان اجر جزیل و توفیقات روزافزون برای این بزرگواران خواستاریم. و از این که در مقابل این همه زحمات و تلاش انجام شده، آن‌طوری که شایسته یک پایان‌نامه بود، کاری از عهده این‌جانب برنیامد، ازین تقصیر و قصور، عذرخواهی می‌نمایم، امید این که زحمات خویش را بر من ببخشند.

اجرکم علی الله

محمد نعیم اکبری

### چکیده

فقر پدیده‌ای است که میلیون‌ها انسان در سراسر جهان به آن دچار بوده و با پی آمدهای زیانبار آن دست و پنجه نرم می‌کنند. طبیعی است که پیدایش این پدیده معلول عواملی است که آن را به وجود می‌آورد. و اسلام که دین جاودانه بوده و به تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها توجه دارد، راهکارهای جهت پیشگیری و مقابله با آن ارائه نموده است. در این رساله سعی شده است که سازوکارهای اسلام در مبارزه با فقر مورد بررسی قرار گیرد و پاسخ این پرسش که آیا اسلام برنامه‌ای در جهت پیشگیری و رفع فقر دارد؟ به دست آید. این تحقیق در سه بخش انجام گرفته است. در بخش اول کلیات (تعریف فقر، اقسام، آثار و عوامل) آن به بحث گرفته شده است، بخش دوم آن تحت عنوان (مکانیسم پیشگیری و رفع فقر) از مسائلی که در جهت پیشگیری و رفع فقر مؤثراند مثل ایمان و تقوی، علم و دانش، کار و تولید، عدالت در توزیع، اعتدال در تولید و مصرف و اعتدال در رشد جمعیت و...، ذکر می‌شود. و بخش سوم به (راهبردهای مقابله با فقر) اختصاص یافته است که در آن از «وظیفه دولت، وظیفه ثروتمندان» و ابزارهای عمومی فقر زدایی بحث گردیده است. و بالاخره جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مجموع مباحث رساله.



۱.....	مقدمه
۲.....	ضرورت بحث
۵.....	فرضیه‌های تحقیق
۵.....	مشکلات تحقیق
۶.....	پیشینه تاریخی بحث

### بخش اول / کلیات

۸.....	تعریف فقر
۹.....	کاربردهای فقر و غنا در قرآن
۹.....	فقیر از نظر اسلام
۹.....	تفاوت در درآمد
۱۰.....	اقسام فقر و غنا
۱۱.....	فقر و غنای ذاتی
۱۲.....	فقر و غنای فرهنگی
۱۳.....	فقر و غنای نفس
۱۴.....	فقر و غنای اقتصادی
۱۴.....	فقر انتخابی
۱۴.....	فقر انتخابی ممدوح
۱۵.....	فقر انتخابی مذموم
۱۶.....	فقر تحمیلی
۱۷.....	طبقه‌بندی فقر
۱۷.....	تعیین خط فقر
۱۸.....	نگرش به ثروت
۱۹.....	معنای روایت الفقر فخری
۲۰.....	مفاهیمی مثل زهد و قناعت

- ۲۱..... آثار و پیامدهای فقر  
 ۲۲..... آثار اقتصادی  
 ۲۳..... آثار فرهنگی  
 ۲۴..... آثار اجتماعی  
 ۲۶..... آثار سیاسی  
 ۲۷..... عوامل فقر  
 ۲۸..... تبلی و بیکاری  
 ۲۹..... بی‌برنامگی  
 ۲۹..... تفقر  
 ۲۹..... سوال و تکدی  
 ۳۰..... قطع رحم  
 ۳۱..... نظام تکاثری اترافی  
 ۳۱..... عدم نظارت دولت  
 ۳۳..... ضعف مدیریت  
 ۳۴..... بلایای طبیعی

### بخش دوم / مکانیسم پیشگیری و رفع فقر

- ۳۶..... ایمان و تقوی  
 ۳۸..... تقوی همراه با تلاش  
 ۳۹..... استغفار  
 ۳۹..... شکر  
 ۴۲..... علم و دانش  
 ۴۸..... کار و تولید



۵۵	الگو قرار دادن سیره پیشوایان دین
۵۷	اعمال سیاست‌های صحیح
۵۸	اجراء عدالت
۵۹	عدالت در تولید
۶۰	عدالت در توزیع
۶۳	اعتدال در مصرف
۶۸	اعتدال در رشد جمعیت

### بخش سوم / راهبردهای مقابله با فقر

۷۴	مقدمه
۷۵	وظیفه‌ی دولت اسلامی
۷۷	مقابله با فقر
۷۹	تعدیل ثروت
۸۱	عدالت اقتصادی
۸۳	توجه به رفاه عمومی
۸۷	تأمین اجتماعی
۹۰	ایجاد اشتغال و رفع بیکاری
۹۰	تثبیت ارزش واقعی پول
۹۲	استقلال و اقتدار اقتصادی
۹۳	نظارت بر بازار
۹۴	مبارزه با گرانفروشی
۹۶	مبارزه با خیانت
۹۶	جلوگیری از مشاغل فاسد و مخرب
۹۷	منع از احتکار و انحصار





- مقابله با احتکار ..... ۹۹
- منع از تلقی رکنان ..... ۹۹
- منع از بیع الحاضر للباد ..... ۱۰۰
- جمع‌آوری زکات و مصرف آن ..... ۱۰۰
- همدردی با توده مردم ..... ۱۰۱
- وظایف ثروتمندان ..... ۱۰۳
- نفقه‌های واجب ..... ۱۰۸
- زکات ..... ۱۰۹
- اهمیت زکات ..... ۱۱۰
- زکات عامل مهم فقرزدایی ..... ۱۱۱
- خمس ..... ۱۱۲
- انفاق ..... ۱۱۳
- احسان ..... ۱۱۴
- صله رحم ..... ۱۱۵
- همیاری و مواسات ..... ۱۱۷
- قربانی ..... ۱۱۹
- کفارات ..... ۱۲۰
- وقف ..... ۱۲۱
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۱۲۲
- منابع و مأخذ ..... ۱۲۵

## مقدمه

پدیده شوم فقر، از ناهنجارترین دردها در زندگی انسان است و در ابعاد مادی و معنوی زندگی فرد و جامعه آثار و عوارض زیانبار و ویرانگر دارد. فقر از دوران گذشته تاریخ تا کنون، در اجتماعات بشری بیداد کرده و اندیشه و روان، جسم و جان و جمله هستی آدمیان را دستخوش تباهی قرار داده است. قرن حاضر با همه ادعاها و پیشرفت‌ها، بر گسترش و نفوذ روزافزون این پدیده در خانواده بشری افزوده و چیزی از آن نکاسته است، ماهیت شیطانی نظام‌های سرمایه‌داری غرب با زیر نفوذ قرار دادن سرمایه‌ها در بخش خصوصی جهان سوم، اکثریت خانواده بشری را به تهیدستی کشنده‌ای دچار ساخته است<sup>۱</sup>

ابر سیاه فقر آسمان زندگی میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان، تیره و تار ساخته و باران غم، رنج، مشقت و تیره‌روزی را بر آنان فرود آورده است. در این میان آنکه درک عمیق‌تر از این پدیده دارد و تمام ره‌آورد آن را بهتر از هر کس دیگر می‌فهمد، و با تمام وجود لمس می‌کند، خود فقراء هستند، همان‌های که قلم و سواد ندارند تا بیانندیشند، بنویسند و با تحلیل درست از زندگی، راه‌های گریز از فقر را جستجو نمایند. بی‌جهت نیست که حضرت علی(ع) به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: «یا بنی انی اخاف علیک الفقر فاستعد بالله منه فان الفقر منقصة للدين مدهشة للعقل جالب للهموم داعية للمقت»<sup>۲</sup> یعنی فرزندم! من از فقر بر تو

۱- ر.ک. محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

یعنی فرزندم! من از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر مایه نقصان دین، سرگردانی عقل، و دل‌مردگی است. و به فرزند بزرگش امام مجتبی (ع) فرمود: «یا بنی! من ابتلی بالفقر ابتلی باریع خصال، بالضعف فی یقینه، والنقصان فی عقله، و الرقة فی دینه و قلة الحياء فی وجهه. فنعوذ بالله من الفقر»<sup>۱</sup> فقیران از موقعیت اجتماعی محروم و با مرگ تدریجی که موت اکبرش خوانند<sup>۲</sup> دست و پنجه نرم می‌کنند. با این حال چه کسی می‌تواند در جهت حفظ منافع نیازمندان گام برداشته، برنامه و راهکارهایی جهت اصلاح وضع موجود ارائه دهند؟ آیا آن عده از ثروتمندانی که به جز لذت و نفع به چیزی نمی‌اندیشند، آنانی که مخارج سنگ‌ها و گریه‌های‌شان بیشتر از تمام هزینه‌ی زندگی بقایای اسکلت‌های خرد شده در زیر چرخ‌های فقر (کودکان گرسنه آفریقا یا برخی ممالک آسیایی) می‌باشد؟! آیا همان‌های که عواطف انسانی‌شان مرده و به دین و مذهب پشت کرده‌اند و از وجدان انسانی هم محروم‌اند در فکر رفع معضل فقر در جهان خواهند بود؟ یا این که مکتب‌های ساخته و پرداخته‌ی دست بشر می‌تواند گرهی از این مشکلات بگشاید؟! در این میان مکتب مارکس و اندیشه‌های مارکسیستی چون حامی کارگران و مستمندان به حساب می‌آمد، نویدبخش عدالت اقتصادی برای این طبقه از جامعه بشری بوده و جذابیت خاصی داشت! یکی از نمونه‌های این نوع اندیشه، حاکمیت کمونیستی تره‌کی در افغانستان بود که با شعار کور، کالی، دودی و رکوم! یعنی خانه، لباس، نان می‌دهم، وارد میدان شد که در نهایت به قول شاعری کور گور و کالی کفن شد!

### ضرورت بحث

شاید بتوان ادعا کرد که فقیرترین کشور در قاره‌ی پهناور آسیا، افغانستان باشد و در میان اقوام ساکن در این کشور، هزاره‌ها که از نظر نژادی و مذهبی؛ متفاوت از دیگران بوده نژاد زرد و مذهب شیعه دارند، محروم‌ترین قومیت این مرزوبوم را تشکیل می‌دهند. اگر نژاد

<sup>۱</sup>- علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق، ۹۴/۴۷/۶۹. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۰، فصل ۶۸.

<sup>۲</sup>- «الفقر الموت الاکبر» نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳.

زرد داشتن سبب عقب ماندگی و فقرشان باشد، باید این عامل در تمام عالم یکسان عمل نماید و کشورهای ژاپن، کره، چین، تایوان و... که از نژاد زرد هستند فقیرتر از همه باشند و حال این که قضیه کاملاً برعکس می باشد. و اگر مذهبی که به آن تعلق دارند آنان را به این روز انداخته باشد، شیعیان دنیا همه باید چنین باشد که نیستند و ما در همسایگی غربی کشور خویش شاهد کشوری هستیم که در عرصه اقتصاد و توسعه یافتگی اگر مقایسه ای صورت گیرد، بیش از یک قرن عقب مانده ایم. و مسلماً هیچ پدیده ای در عالم وجود ندارد که معلول علتی نباشد، هر چند علل به وجود آورنده آن در همه جا یکسان نبوده و با متغیرهای زمانی و مکانی در تغییر است، در عین حال مجموعه مسایلی وجود دارد که به عنوان عامل فقر به صورت عموم مطرح می باشد. با توجه به آثار زیانبار فقر و ضرورت شخصی و منطقه ای، موضوعی که می توانست مورد انتخاب قرار گیرد، همین موضوع بود. البته این انتخاب به هیچ وجه نمی تواند به این دلیل باشد که با دانستن مسایل مربوط به پدیده فقر یک شبه راه نجات از فقر را پیموده به حد کفاف و بی نیازی رسید. بلکه آنچه مورد نظر است، این است که آیا فقر هم چون معلولیت و مرگ یک امر طبیعی بوده و باید آن را آن طوری که هست پذیرفت، یا این که با آن به مقابله پرداخت، در صورت دوم باید دید که راه های مقابله با آن چگونه می باشد؟ و چه کسانی مسئولیت دارند تا در جهت رفع فقر گام برداشته و به مقابله با آن برخیزند؟ و چون مسلمانیم هیچ منبع قابل اعتمادی بهتر از کتاب و سنت نخواهد بود. زیرا قوانین الهی تنها قوانینی هستند که «لاریب فیه هدی للمتقین» بوده و حرف اول و آخر را ادا می نمایند.

یقیناً موضوعاتی به مراتب مهم تر وجود دارد که ضرورت های گوناگونی تحقیق در مورد آنها را ایجاب می کند. و هم این که اقتصاد در دیدگاه اسلام نمی تواند از امور زیربنایی بوده و بقیه مسایل روبنا باشد، تا ازین جهت اولویت پیدا کند. اما این هم یک واقعیتی است که:

دنیا و نعمت های دنیوی، نقش بسیار مهمی در دین داری و نیل به کمالات انسانی و مراتب حقیقی انسان - که محل ظهور آن در آخرت است - دارد، به گونه ای که در روایات از نعمت ها و امکانات دنیوی به عنوان بهترین کمک رسان برای طلب آخرت تعبیر شده

است. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «نعم العون علی الآخرة الدنيا»<sup>۱</sup> از سوی دیگر سختی‌های معیشتی، تنگدستی و فقر از موانع جدی دین‌داری آحاد جامعه است که در روایات به آن اشاره شده است.<sup>۲</sup> رسول اکرم (ص) در دعای مشهور به نان- که سمبل نعمت‌های دنیوی است- اشاره می‌کنند و نبود آن را موجب تضعیف ارکان تدین جامعه می‌دانند: «اللهم بارک لنا فی الخبز و لاتفرق بیننا و بینه فلولاً الخبز ماصلینا و لاصمنا و لادینا فرایض ربنا»<sup>۳</sup> خداوند! در نان بر ما برکت ده و بین ما و او جدایی نیانداز، پس اگر نان نبود نه نماز می‌خواندیم و نه روزه می‌گرفتیم و واجبات پروردگاران را بجای نمی‌آوردیم. و امام صادق (ع) از قول لقمان حکیم نقل می‌کند که لقمان به فرزندانش می‌فرماید: «...ذقت المرارات کلها فما ذقت شیئاً امر من الفقر»<sup>۴</sup> تمامی تلخی‌های زندگی را چشیدم، در میان آن‌ها تلخ‌تر از فقر نبود. و باز آن‌حضرت از قول ابراهیم خلیل (ع) نقل می‌کند که فرمود: «یا رب الفقر اشد من نار نمرود»<sup>۵</sup> خداوند! فقر از آتش نمرود سخت‌تر است. و هم چنین فقر بزرگترین مانعی است که جلو بروز هرگونه قابلیت را می‌گیرد و نمی‌گذارد استعداد انسان شکوفا شده و به کمال مطلوب برسد. فقر هولناک‌ترین واقعیتی است که انسان با آن پنجه در می‌آمیزد و امام (ع) در باره‌اش می‌گوید: «لو تمثل لی الفقر رجلاً لقتلته» اگر فقر چون شخصی بر من مجسم می‌شد من او را می‌کشتم. ناداری از عوامل پریشانی فکری می‌باشد، چرا که تمام قوای عقلانی و بدنی انسان در راه جبران محرومیت بکار گرفته می‌شود و نظم افکار آدمی بکلی درهم می‌ریزد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۰۹هـ، ج ۱۷، ص ۲۹.

<sup>۲</sup>- جوادی آملی، نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)، قم، مرکز نشر اسراء، ج ۲، بهمن ۱۳۸۱، ص ۲۴۴.

<sup>۳</sup>- وسائل، ج ۱۷، ص ۳۱. کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۰ش، ج ۵، ص ۷۳. بحار، ج ۶۳، ص ۲۷۰. مکارم الاخلاق، ص ۱۵۴.

<sup>۴</sup>- بحار، ج ۱۳، ص ۴۱۳، باب ۱۸. امالی صدوق، ص ۶۶۷.

<sup>۵</sup>- بحار، ۹۴/۴۷/۶۹. جامع الاخیار، ۱۰۹.

<sup>۶</sup>- ر.ک. غلامرضا بیات، اسلام در مبارزه بنیادی با فقر، چاپ پرتو، نشر کوکب، تابستان ۱۳۵۸ش، ص ۷.

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- منابع اولیه مورد نیاز همه انسان‌ها در طبیعت وجود دارد، آنچه در عالم خداوند متعال آفریده است، برای همه می‌باشد.
- ۲- فقیران در اموال اغنیا شریک بوده و بر دولت اسلامی است که نیازهای فردی محرومین را تا حد رسیدن به کرامت انسانی تأمین نماید.
- ۳- در صورت به اجرا درآمدن دستورات اقتصادی اسلام که ضامن اجرایی آن در سطح فردی ایمان و اعتقادات افراد بوده و در سطح اجتماع، وجود حکومت دینی می‌باشد، پدیده فقر ریشه کن خواهد شد.
- ۴- اگر ثروتمندان، سرمایه‌داران مسلمین و نیز دولت اسلامی به وظایف خویش عمل کنند فقر بکلی نابود و یا حداقل کاهش می‌یابد.

### مشکلات تحقیق

مشکلاتی که فراروی این تحقیق وجود داشت اولاً عدم دسترسی به کتاب‌ها و منابعی بود که در مقوله فقر و غنا بحث کرده بودند. بعد از آن که اسامی این کتب از اساتید محترم راهنما و مشاور، جهت استفاده معرفی گردید، اکثراً در کتابخانه‌هایی قرار داشت که استفاده از آن‌ها محدودیت‌های خودش را داشت، ازین رو مقداری کتاب خریداری گردیده و تعدادی هم به صورت امانت از نزد اساتید محترم در دسترس قرار گرفت.

ثانیاً نداشتن تخصص به موضوع مورد بحث و قواعد نویسندگی، ادبیات فارسی و حتی روش درست تحقیق با آن که دوره آموزشی آن طی گردیده بود، از مشکلاتی بود که بر سر راه این تحقیق قرار داشت، و این پایان‌نامه اولین تجربه کاری در وادی نویسندگی، تحقیق و قلم به دست گرفتن می‌باشد.

ثالثاً مشکل اقتصادی که با آن روبرو بوده، که این امر به نوبه خود مانع از انجام بهینه امر تحقیق و پژوهش گردید که اگر طبق رهنمایی‌های اساتید محترم راهنما و مشاور که تلاش و زحمت زیادی به خرج دادند سیر کاری انجام می‌گرفت، یقیناً این نوشتار خیلی

پربارتر و با نقص کم‌تر تنظیم و تدوین می‌گردید. در مواجهه با این مشکل از طرفی نباید مصداق حدیث «ملعون من ضیع من یعول» قرار می‌گرفتم، از طرف دیگر کاری که خواسته شده بود باید به‌طور شایسته و بایسته انجام می‌گرفت.

### پیشینه تاریخی بحث

از هنگامی که جوامع بشری به مازاد تولید دست یافتند و در سایه آن سلسله مراتب اجتماعی بر اساس امتیازات ناشی از دسترسی نابرابر به مازاد، صورت وجودی یافت، پدیده فقر و غنا به صورت دو وصف متقابل برای طبقه کم‌درآمد و صاحبان درآمد بیشتر، جایگاه خویش را در میان افراد بشر باز کرد. بدین جهت در متون بازمانده از اعصار گذشته، به‌ویژه متون مذهبی اشاراتی متعددی به مسأله فقر دیده می‌شود. در عصر ما که جوامع بشری همگام و هم‌صدای ندای عدالت و برابری را سر داده‌اند از حقوق بشر می‌زنند! بیش از هر زمانی فاصله‌های طبقاتی بین دو قشر فقیر و صاحبان ثروت فزونی یافته و تقسیم‌بندی کشورها به صنعتی و پیشرفته، جهان سوم و عقب مانده، بر اساس وضع حاکم در دنیا صورت گرفته است. البته از زمان‌های دور بحث فقر و غنا کمابیش وجود داشته اما به‌صورت نهادینه شده و با نگاه به زوایایی مختلف موضوع به صورت تحقیقات علمی، به نظر می‌رسد از دهه شصت به بعد با پیدایش مباحث توسعه و توسعه‌یافتگی، بحث فقر و غنا رونق پیدا کرده و کتب و مقالات مربوط به بحث توسعه به این مقوله پرداخته است.



## بخش اول / کلیات

- که تعریف فقر
- که کاربردهای فقر و غنا در قرآن
- که اقسام فقر و غنا
- که طبقه‌بندی فقر و غنا
- که تعیین خط فقر
- که نگرش به ثروت
- که آثار و پیامدهای فقر
- که عوامل پیدایش فقر
- که انتخاب فقر
- که توزیع در عالم تکوین



## تعریف فقر

«الفقر ج الفقور و مفقر: ضد الغنی و ذالک ان یصبح الانسان محتاجاً او لیس له ما یکفیه»<sup>۱</sup> فقر که جمع آن فقور و مفقر است ضد غنا است به این صورت که انسان خود را تنگدست ببیند یا به اندازه کفایت نداشته باشد. «والفقر الحاجة»<sup>۲</sup> فقیر نزد عرب‌ها به معنای نیازمند است. «الفقر و الفقر ضد الغنی»<sup>۳</sup> فقر و فقیر ضد غنا است. «الفقیر عند العرب المحتاج»<sup>۴</sup> فقیر نزد عرب‌ها به معنای نیازمند است.

در باره فقر که قوی‌ترین و عمومی‌ترین مصیبت بشر است. ریشه‌ی دردهای بسیار زیادی است، از گرسنگی و بیماری گرفته تا مناقشات داخلی و جنگ<sup>۵</sup> تعریف واحدی وجود ندارد. علت پراکندگی در تعریف این است که در فرایند تعریف به جنبه‌های مختلف موضوع توجه نشده و تنها به برخی از آنها پرداخته شده است. از طرفی بین فقر مطلق و نسبی خلط شده است. به عنوان نمونه در برخی موارد تنها جنبه اقتصادی و یا میزان درآمد مورد توجه قرار گرفته است؛ با این دید، فقر عبارت است از: عدم برخورداری از میزان درآمدی که در سطح امرار معاش قرار دارد.

تعاریفی دیگری وجود دارد که شامل عناصر کمیت ناپذیر نیز می‌گردد، مثل: تفاوت در شرایط مسکن، منطقه مسکونی، دارایی، منابع آموزشی، مالی و شغلی.<sup>۶</sup> ممکن است با نگاه از زاویه دیگر و با توجه به پیامدهای کمبود عوامل اقتصادی، فقر را وضعیتی دانست

<sup>۱</sup>- لویس معلوف، المنجد، نشر پرتو، ج ۳، بهمن ۱۳۷۱، طبع ۲۱، بیروت، دارالمشرق، فی کانون الثانی ۱۹۷۳، ص ۵۹، واژه فقر.

<sup>۲</sup>- خلیل ابن احمد، کتاب العین، قم انتشارات دار الهجره، ج ۲، ۱۴۱۰ هـ، ج ۵، ص ۱۵۰.

<sup>۳</sup>- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴ هـ، ج ۵، ص ۶۰.

<sup>۴</sup>- شیخ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، بیروت، دار المکتبه الهلال، ۱۹۸۵ م، ج ۳، ص ۴۴۱.

<sup>۵</sup>- جان کت گالبرایت، ماهیت فقر عمومی، ترجمه سید محمد حسین عادل، تهران، موسسه اطلاعات، ج ۲، ۱۳۶۹، ص ۳۴.

<sup>۶</sup>- ر.ک. علی احمد راسخ، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، (مجموعه مقالات) موضوع شناسی فقر و توسعه، ج ۱، ص ۲۴.

که در آن افراد فقیر بر اثر رفتار تحقیرآمیز افراد بهره‌مند، از جایگاه انسانی خود در جامعه رانده شده و به بیرون از گروه‌بندی‌های مورد پذیرش جامعه، زندگی می‌کنند.

### کاربردهای فقر و غنا در قرآن

قرآن کریم برای فقر واژه‌های مانند فقر، فقیر، فاقره، ضعیف، مستضعف، مسکین، مستکین، و برای غنا واژه‌های چون: غنی، اغنیاء، استغناء، ذامال، ذاعسره، میسره، ملأ، مترفین و مستکبرین را به کار برده است.<sup>۱</sup>

### فقیر از نظر اسلام

اگر فقیر همان باشد که مردم باور دارند، مبارزه با فقر در متن خود وجود شکاف‌های بسیار عمیق طبقاتی را قبول خواهد کرد. وقتی فقیر کسی باشد که در خود نهایت بیچارگی‌ها را جمع کرده است، هنگامی که اندکی از میزان این بیچارگی‌ها کم شد دیگر فقیر نیست و بدیهی است که میان این شخص که شامل مبارزه با فقر شده است با توانگران جامعه شکاف هم‌چنان عمیق خواهد بود. سیاست اقتصادی تأمین حداقل زندگی برای طبقات محروم، از همین‌گونه مبارزات با فقر است که در عین حال، شکاف موجود طبقاتی نیز به حال خود باقی می‌ماند. مفهوم اسلامی فقر با درک عرفی آن به حد چشمگیری متفاوت می‌باشد زیرا هدف اسلام این است که کلیه انسان‌ها در رفاه و آسایش زندگی نموده و نیازهای‌شان برآورده شود و ناهماهنگی معیشت از بین برود.<sup>۲</sup>

### تفاوت در درآمد

افراد انسان از نظر ذوق، استعداد و تلاش، فعالیت و تحمل سختی‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند. در نتیجه از جهت درآمد تفاوت‌هایی خواهند داشت، اسلام این تفاوت‌ها را

<sup>۱</sup> - سید محمد کاظم رجایی، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، قم، موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی (ره)، ج ۱، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۶۲.

<sup>۲</sup> - غلام‌رضا بیات، پیشین، ص ۷۲-۷۳.

پذیرفته و به همه کس حق داده از استعداد و هنر خویش حداکثر بهره‌برداری را بنماید. زیرا سلب این حق، نیروهای خلاقه‌ای جامعه را تضعیف کرده و به فلج شدن چرخ‌های اقتصادی می‌انجامد. از طرف دیگر در روش اقتصادی اسلام تفاوت در «درآمد» سبب تفاوت در «معیشت» نخواهد شد، چه آنکه دولت اسلامی موظف است کمبودهای زندگی اشخاص کم درآمد را جبران نموده و از اسراف مال و تجمل‌پرستی افراد پر درآمد نیز جلوگیری به عمل آورد.<sup>۱</sup> به‌عنوان نمونه به روایات زیر توجه گردد.

«عن اسحق بن عمار، قال: قلت للامام جعفر بن محمد (ع) اعطی الرجل من الزکاة مائة؟ قال: نعم، قلت: مائین؟ قال: نعم، قلت ثلثمائة؟ قال: نعم، قلت اربعمائة؟ قال: نعم حتی تغنیه»<sup>۲</sup> از اسحاق بن عمار نقل شده که به امام صادق (ع) گفتم: از مال زکات می‌توان به کسی صد درهم داد؟ فرمود: بلی، ۲۰۰ درهم؟ بلی، ۳۰۰ درهم؟ بلی، ۴۰۰ درهم؟ بلی، ۵۰۰ درهم؟ بلی، تا وقتی او را غنی و بی‌نیاز کنی. امام (ع) اجازه می‌دهد تا حد بی‌نیازی به کسی زکات داده شود. با توجه به این که زکات مال فقراست می‌توان نتیجه گرفت که اگر کسی به‌طور کلی غنی و بی‌نیاز نشود به او فقیر اطلاق می‌شود و مبارزه با فقر تا حد تأمین حداقل زندگی نیست. «عن سماعه، قال: سألت جعفر بن محمد (ع) عن الزکاة هل تصلح لصاحب الدار والحادم؟ فقال: نعم»<sup>۳</sup> سماعه می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم آیا به شخصی هم که خانه دارد هم خادم، زکات داده می‌شود؟ فرمود: بلی. بنا براین کسی که خانه و خدمت کار هم دارد ممکن است مشمول کلمه فقر باشد.<sup>۴</sup>

### اقسام فقر و غنا

از آنجایی که کمبود می‌تواند در عرصه‌های گوناگون زندگی بروز نماید، فرد و جامعه را با انواع احتیاج و ناداری مواجه سازد به چند قسمت تقسیم می‌گردد.

<sup>۱</sup>- ر.ک. پیشین.

<sup>۲</sup>- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۶۳/۴. وسایل الشیعه، ۲۳۵/۹. شیخ مفید، المقننه، ۲۶۳.

<sup>۳</sup>- الکافی، ۵۶/۳. التهذیب، ۴۸/۴. وسایل، ۲۳۵/۹. المقننه، ۲۶۳.

<sup>۴</sup>- ر.ک. بیات، پیشین، ص ۷۵-۷۶.

فقر و غنا در قرآن به معانی متعدد، از قبیل معانی زیر به کار رفته است: فقر و غنای ذاتی، فقر و غنای فرهنگی، فقر و غنای نفس، فقر و غنای اقتصادی. و از زاویه دیگر می‌توان آن را به فقر انتخابی ممدوح و مذموم و فقر تحمیلی تقسیم کرد، و نیز دو نوع فقر را می‌توان از یکدیگر تمیز داد، فقری که در برخی جوامع گریبانگیر عدهٔ قلیلی می‌شود، یا به عبارتی اقلیت این جوامع را دربر می‌گیرد و به صورت «فقر موردی»<sup>۱</sup> وجود دارد و فقر دیگری که همگی افراد جامعه بجز عدهٔ معدودی دچار آن هستند که از آن به «فقر عمومی»<sup>۲</sup> تعبیر می‌شود.<sup>۳</sup> که فقر عمومی مورد ابتلاء کشورهای جهان سوم بوده و مباحث «فقر و غنا» بیشتر با تکیه بر آن صورت می‌گیرد.

### فقر و غنای ذاتی

همه موجودات و از جمله انسان به خدا نیازمند است و خدا از هر چیزی بی‌نیاز است، قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»<sup>۴</sup> ای مردم شما (همگی) نیازمندان خدایید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایستهٔ هرگونه ستایش است.

بی‌نیاز حقیقی و قایم بالذات در تمام عالم هستی یکی است و او خدا است، همه انسان‌ها بلکه همه موجودات سرتاپا نیازمند و فقر، و وابسته به آن وجود مستقل که اگر لحظهٔ ارتباطشان قطع شود، هیچ‌اند و پوچ.<sup>۵</sup>

فقر و غنا عبارت از فقدان و وجدان است، و این دو، دو صفت متقابل یکدیگراند، ممکن نیست موضوعی از هر دو خالی باشد و هر چیزی که تصور شود یا فقیر است و یا غنی و لازمهٔ انحصار فقر در انسان و غنا در خداوند این است که انسان‌ها منحصر در فقر

<sup>۱</sup>-Case Poverty.

<sup>۲</sup>-Mass Poverty.

<sup>۳</sup>- گالبرایت، پیشین، ص ۲۱.

<sup>۴</sup>- فاطر، ۱۵.

<sup>۵</sup>- مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۸، ص ۲۲۲.